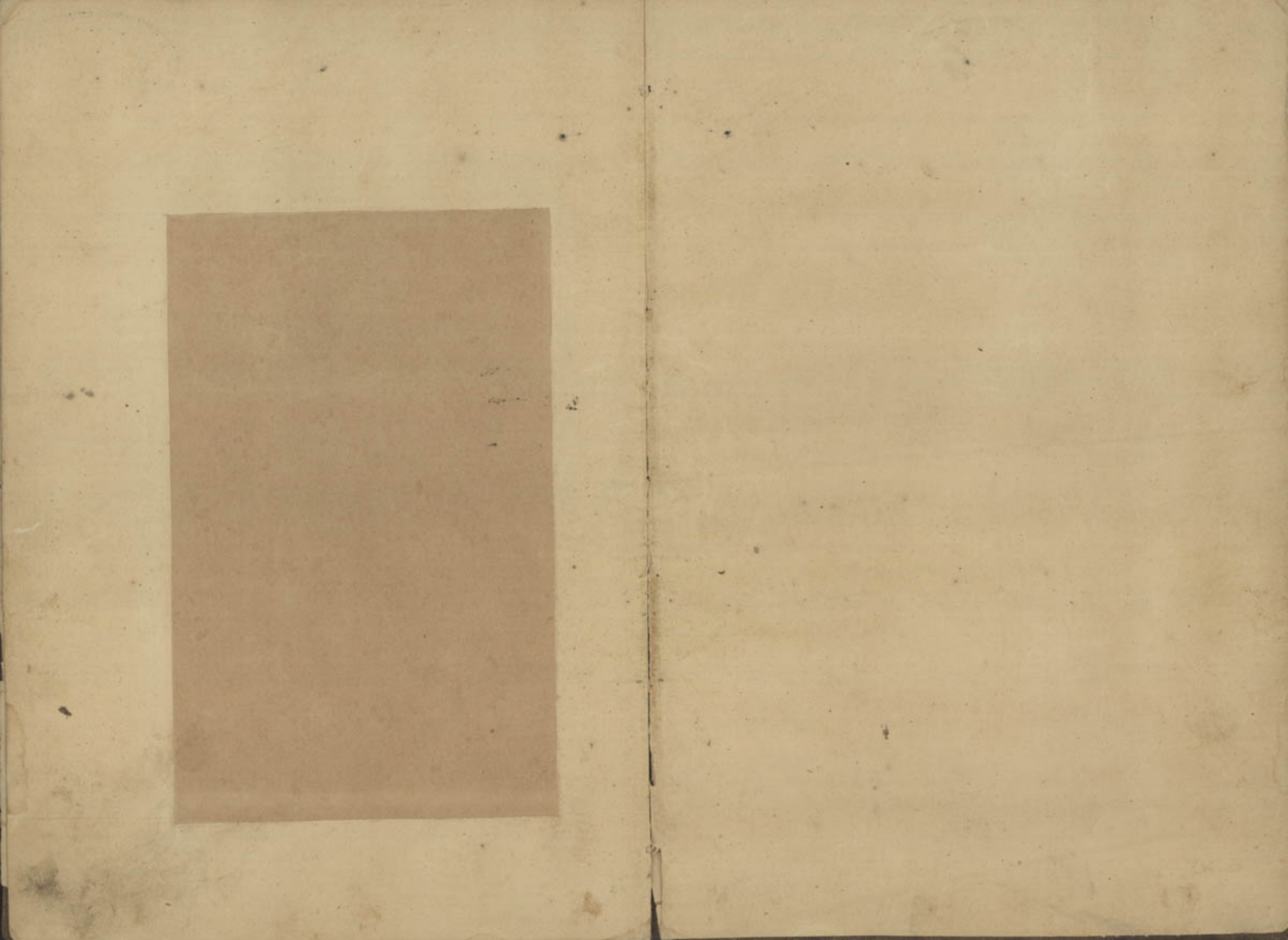
کتاب خطی [illegible]

کتاب [illegible]

کتاب حقوق [illegible]



دوش خوش هوشم گفت نکته‌های پنهانی
کای دلت شده تیره زین سرای فانی

تا کی اندرین دریا همچو بط زنی غوطه
شاهباز لاهوتی در فضای جسمانی

بگذر از چهار ارکان تا شوی بر از جان
وانگهی عیان بینی روی دلبر جانی

بجبر در این مهدی پای بسته شهدی
طفلی و سبک عهدی زامر و نهی رحمانی

خیز و ساغر لا را پر ز می الا کن
تا شوی تمام آگه زین سرای ظلمانی

ساده باش در طاعت خالص ای در خدمت
ورنه کی دهد سودت این سواد دیوانی

نی کلام حق گوئی نی براه حق پوئی
آه ازین سیه روئی ادعای مسلمانی

بی‌امامت راهی تا که یابی آگاهی
بر تو جمله مشکل‌ها رو نهد به آسانی

در محبت ار مردی یا که صاحب دردی
آل پاک احمد را همیشه ثناخوانی

سبط ساقی کوثر نور چشم پیغمبر
قاسم نکو منظر شبل شیر یزدانی

باب ارشد او را از ازل نموده ستی
قاسم بهشت و نار کرد کار سبحانی

جد اطهر او را امر داور بیچون
از ابد همی کرده است جبرئیل دربانی

این شهی که رفعت انس و جن پی عزت
روز و شب بدرگاهش می‌نهند پیشانی

آنکه در گه هیجا شیر حق بود حقا / صف شکن همی بوده چون علی عمرانی

رو چو بر عدو میساخت هر که بود جان میباخت / در زمان همی میباخت رو بملک ویرانی

هر که از دل و از جان دست زد ورا دامان / خوش بهشت جاوید آن بهر اوست ارزانی

و آنکه از تولایش سر بتافت و از رایش / روز کشف اسرار او میخورد پشیمانی

دور مرقد والاش صحن و گنبد اعلاش / یافت خوب و خوش تعمیر از اهتمام سلطانی

راد ناصر الدین شاه صاحب کلاه و گاه / آنکه تا جهان باشد او کند جهانبانی

داور سکندر فر شاه آسمان افسر / داده حق نقش نگینش شوکت سلیمانی

بخشش و عطای او مهر و لطفهای او / خاک را کند سر سبز همچو ابر نیسانی

از درستی اتمام وز محاسن انجام / شه امین سلطان را ساخت بهر او بانی

آن امیر با تمکین بیک علی اصغر این / نیست در خورد حشمش پایه سخندانی

و آن یگانه دوران تن و داور ایران / باشد اولین دستور در امور دیوانی

بهر دولت و ملت که هست در عشرت / کرده او ز حسن رای جمع از پریشانی

آخرت و دنیا را هر دو را شده دارا / این ز لطف شاهنشه و آن ز فضل ربانی

بهر سال تاریخش گفت این سخن آزاد

داری آل ابراهیم سعی کعبه بانی

۱۳۰۲

در بالای دریکه داخل روضه منور و مرقد مطهر مشوی این شعر مسطور است

هرکسی کو باادب دست بدین در بنهد   بیبک از پای در آید بزمین سر بنهد

در پایین نوشته شده است

بو دارم امید در همه باب   افتح یا مفتح الابواب

در بالای تای دیگر مسطور است

فرمایند و هذا الباب حسن بن علی عبد القادر دربندی

در پایین مسطور شده است

۷۲۷

عمل محمود بن علی نجار لبابسانی بتاریخ سنه سبع و عشرین و سبعمائه

انچه در بالای صندوق مبارک بمنبت کاری نوشته شده این است

اسد الله الغالب علی بن ابیطالب

علیه السلام

هذا المرقد الشریف و المقبر المنیف صلوات الله علی مشرفها و هو سلطان المتقین

و برهان المتقین و سلالة ائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین قاسم بن

حسن بن امیر المومنین و یعسوب الدین و ابن عم رسول رب العالمین

در پایین صندوق مسطور است

هو العلی الکبیر   تمام شد این مرقد منور معطر بسعی مشکور و اهتمام

موفور حضرت عالیجاه حکومت و رفعت دستگاه کمال الدین

سلیک این جناب مغفرت پناه شاه قلی بیک شاملو ذو القدر تحریر را

فی شهر جمادی الاخره سنه ثلث ستین و تسعماه ۹۶۳ کتبه العبد ویردی

مانام شد این قد بعمل قطب الدین سیف و نجار معصوم بن اسکندر لبابیانی

هو الودود

سرور صدور کرام و مصدر امور ممالک الملوک اسلام

همواره دعا سحرگاه اهل دل او را مسرور و آله احد

مکاره دهر را دور دارد

الحمد لله که گردون کار سرکار را اول سلسله اهل کمال و مدار امور کارملک

عادل کامل کامکار کرده دائما سرگرم اساس عدل و داد و اهل ممالک

اسلام را در صدد وصول سود و حصول مراد هر امصار و محل در

دستور و عمدا امدح و محامد و الاسائر و احکام ملک مهر علائم را در ممالک

دائر کرده هر کس را که در دل دردی و در رو گرد کرد آمن امطار مراحم

و اسرار مکارم سرکار اعلا در داو را دوا و مهام او را رواکرده

مراد دهر کم اسیم و گم رسم و محروم وصول در درگاه سما آسا کرده

مگر گرم گرد کار مدد کار که همه سال و ماه در درگاه

معلا مکرر و اصل و علو محل و عاکو را حاصل گردد

اگر صلاح دارد حکم صادر گردد که مدح ولد امام

همام در دور محل معهود مسطور گردد

کتبه العبد المذنب محمد باقر خان ولد حاجی محمد باقر خان بیگلربیگی قاجار



